

# دائرة المعارف کتاب مقدس

## علی سرولاتی

«درک کتاب مقدس» بحث دیگر این دایره‌المعارف می‌باشد. در این فصل بر الهامی بودن کتب مقدس تأکید می‌کند و مباحثی از قبیل درک، نقد، تفسیر و روش مطالعه کتب مقدس را تبیین می‌کند و دوازده روش برای مطالعه کتاب مقدس ارائه می‌کند. به نظر می‌رسد این بخش بیش از آن که علمی باشد تبلیغی و تشریحی است و چندان با بیان دایره‌المعارفی تناسب ندارد.

مبحث بعدی این دایره‌المعارف آشنایی با کتاب مقدس است. در این معرفی‌ها هر کدام از کتب عهد جدید و قدیم از نظر زمینه نگارش، نویسنده و تاریخ نگارش، موضوع و پیام آن و گاه سبک‌های ادبی کتاب مورد بحث قرار گرفته است و در پایان هر کدام فهرست مطالب و فهرست موضوعی آن ارائه شده است. در همین بخش مبحث انجیل‌های هم‌منظر به توجیه چرایی هم‌گونی بیشتر سه انجیل متی، مرقس و لوقا و اختلاف انجیل یوحنا می‌پردازد و هفت توجیه گوناگون نقل می‌کند.

«سرزمین کتاب مقدس» مبحث دیگر دایره‌المعارف است که در آن گیاهان، حیوانات، فلزات و مواد معدنی که در کتاب مقدس نام برده شده است توضیح و جای استفاده از آن در کتاب مقدس نشان داده شده است.

«مذهب در کتاب مقدس» بحثی است که نویسندگان مذهب و نمادها و مظاهر مذهبی مورد اشاره در کتاب مقدس را زیر عنوان کلی مذهب یهود و مذهب غیریهود نشان داده‌اند. مباحثی از قبیل نام ماهها، اعیاد، فصح، هیکل و سرنوشت آن، مفهوم عهد، شریعت، شفاعت، پرستش، حمد و ستایش، فرقه‌های یهود، اسباط بنی‌اسرائیل، بت‌پرستی و بحث‌هایی از این دست محتوای بخش مذهب در کتاب مقدس را تشکیل می‌دهند. «تعالیم کتاب مقدس» یکی از مباحث بسیار مهم دایره‌المعارف کتاب مقدس است. در این بحث نویسندگان مباحثی از قبیل نجات و مفهوم و کاربرد آن، خدا، عیسی مسیح، روح القدس، ملکوت خدا، اسقف، معیارهای رفتار جنسی، ثروت و فقر، شراب در دوران عهد قدیم و جدید، شفای الهی، فرشتگان، مرگ و معلمان دروغین قسمتی از بحث‌های این بخش را تشکیل می‌دهند.

نویسندگان این دایره‌المعارف در بخش عیسی مسیح (ع) تلاش کرده‌اند زیر عنوان مسیح‌شناسی معضل «خدا، انسانی» مسیح را حل کنند که به نظر می‌رسد چندان توفیقی به دست نیاورده‌اند. آنان تأکید بر ازلی و واجب‌الوجود بودن عیسی مسیح (ع) می‌کنند و می‌نویسند: «آموزه ازلی بودن پسر خدا، مهمترین آموزه در کل مبحث مسیح‌شناسی است، زیرا اگر مسیح ازلی نباشد پس مخلوقی است که در زمان مشخص بوجود آمده و فاقد صفت ازلی و لایتناهی که از صفات خاص خداست، می‌باشد اما اگر ازلی بودن مسیح مورد تصدیق قرار گیرد در واقع این حقیقت که او برای وجود داشتن، نیازمند غیر نمی‌باشد بلکه قائم به ذات (Self Existent) و واجب‌الوجود می‌باشد مورد تأیید قرار می‌گیرد [۴۲۳].»

در کنار این مطلب تأکید می‌کنند که روح القدس نیز یک شخصیت حقیقی و ابتدی است و می‌نویسند: «در تمام کلام خدا روح القدس به عنوان یک شخص با خصوصیات مختص به خود آشکار شده است (۲ قرن ۱۷-۱۸؛ عبرانیان ۱:۹؛ ۱۴؛ ۱ پطرس ۲:۱). او یک شخصیت الهی مثل پدر و پسر است. بنابراین ما نباید هرگز روح القدس را فقط به عنوان یک تأثیر یا قدرت تصور کنیم. او دارای صفات شخصی است زیرا فکر می‌کند (رومیان ۸: ۲۷)، احساس دارد (رومیان ۱۵: ۳۰)، اراده دارد (۱ قرن ۱۲: ۱۱)، محبت می‌کند و از

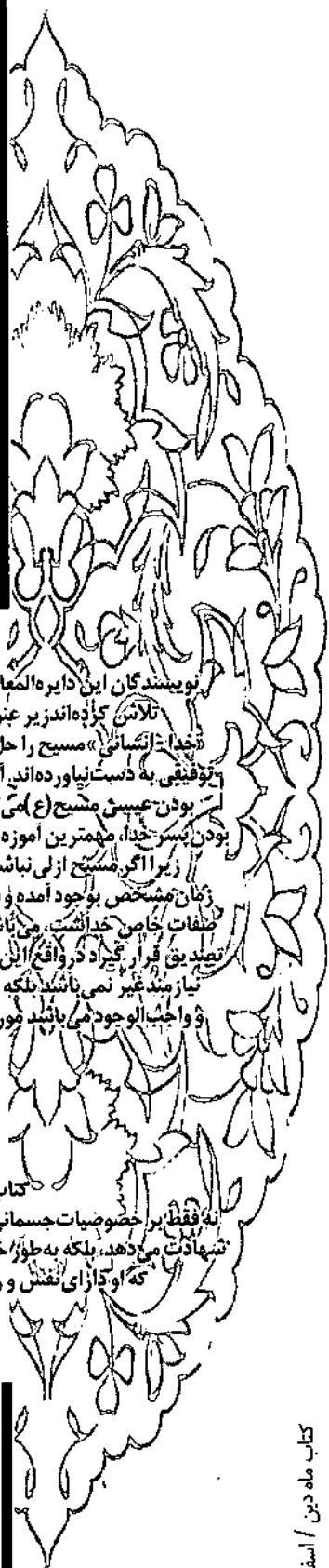
- دایره‌المعارف کتاب مقدس
- ترجمه و تدوین: انجمن مترجمین متون علمی و فنی
- نشر مشیانه
- چاپ اول: ۱۳۷۷

«کتاب مقدس» عنوان کتب «عهد قدیم و عهد جدید» است که از مجموعه کتب و رساله‌ها تشکیل یافته است. این کتب و رساله‌ها در بین توده فارس‌زبانان بیشتر با عنوان «تورات و انجیل» شناخته می‌شود. گرچه ترجمه فارسی کتاب مقدس از دیرباز نشر یافته و ترجمه‌های متعددی از آن ارائه شده است [ ص ۹ ] اما آگاهی جامعه از محتوای کتب مقدس چندان زیاد نیست. شاید احساس بی‌نیازی از آن کتب، دلیل عمده روی نکردن ایرانیان و به ویژه مسلمانان به آنهاست. با این حال به نظر می‌رسد اطلاع از محتوای کتب مقدس دست‌کم برای محققان و پژوهشگران سودمند و ضروری می‌باشد.

نکات مشترک فراوان بین قرآن، کتاب

مقدس مسلمانان و کتب مقدس مسیحیان و یهودیان برای پژوهش‌های دین‌شناسی و تاریخ ادیان فوق‌العاده مفید و ثمربخش است. همچنین در مجادلات کلامی تسلط و آگاهی از محتوای کتب مقدس، متکلمان مسلمان را به بحث‌های زنده و واقع‌بینانه کلامی نزدیک خواهد ساخت. فراوانی تعداد کتب مقدس و پرخورداری آنها از زبان و بیان ویژه کتب مقدس که معمولاً هالغای از رمز و اشاره آن را فرا گرفته است، بسیاری از علاقه‌مندان را در دستیابی به مباحث مورد نظرشان دچار مشکل می‌کند. نبود دایره‌المعارف درباره کتب مقدس این مشکل را دوچندان می‌ساخت. اما با همتی که دست اندرکاران ترجمه و تدوین دایره‌المعارف کتاب مقدس انجام دادند، دستیابی به مباحث را در کتب مقدس آسان ساختند.

دایره‌المعارف کتاب مقدس در آغاز بحثی در سیرتاریخی کتاب مقدس ارائه می‌کند، در این بحث افزون‌بر تبیین چگونگی گردآوری و تالیف کتب مقدس، تلاش می‌کند اعتبار و استناد تاریخی آن را با بهره‌گیری از پژوهش‌های باستان‌شناسی درست کند. در این مورد نسبت به عهد عتیق وجود متنی عبرانی تا قرن دوم قبل از میلاد را براساس کشف کتیبه‌های دریای مرده در سال ۱۹۴۷ توسط یک چوپان عرب اثبات می‌کند و نسبت به عهد جدید تا سال ۱۳۵ میلادی وجود متنی‌هایی از عهد جدید را مورد تأکید قرار می‌دهد، تاریخ ترجمه‌های انگلیسی و فارسی کتب مقدس را پی‌گیری می‌کند و مجموعه این مباحث را زیر عنوان کلی سیرتاریخی کتاب مقدس مطرح می‌کند.



نویسندگان این دایره‌المعارف در بخش عیسی مسیح (ع) تلاش کرده‌اند زیر عنوان مسیح‌شناسی معضل «خدا، انسانی» مسیح را حل کنند که به نظر می‌رسد چندان توفیقی به دست نیاورده‌اند. آنان تأکید بر ازلی و واجب‌الوجود بودن عیسی مسیح (ع) می‌کنند و می‌نویسند: «آموزه ازلی بودن پسر خدا، مهمترین آموزه در کل مبحث مسیح‌شناسی است، زیرا اگر مسیح ازلی نباشد پس مخلوقی است که در زمان مشخص بوجود آمده و فاقد صفت ازلی و لایتناهی که از صفات خاص خداست، می‌باشد اما اگر ازلی بودن مسیح مورد تصدیق قرار گیرد در واقع این حقیقت که او برای وجود داشتن، نیازمند غیر نمی‌باشد بلکه قائم به ذات (Self Existent) و واجب‌الوجود می‌باشد مورد تأیید قرار می‌گیرد [۴۲۳].»

### کتاب مقدس

نه فقط بر خصوصیات جسمانی بدن انسانی مسیح مجسم شده شهادت می‌دهد، بلکه به طرز خاص از این واقعیت سخن می‌گوید که او تازای نفس و روح انسانی بوده است.

[ ۴۲۷ ] .

این توجیه‌ها به یک معنی نپذیرفتن لوازم ذاتی تعابیر و مفاهیم است. تصور وحدت ذاتی و شخصی یک مرکب از دو طبیعت متضاد با حفظ همه تمایزها انکار بدیهی‌ترین و ضروری‌ترین مفاهیم است و در واقع جمع متناقضین است.

تفسیرها و توضیح‌های نویسندگان دایره‌المعارف کتب مقدس سند معتبری به خوانندگان فارسی‌زبان می‌دهد که بر توجیه‌ناپذیر بودن بعضی از مقوله‌های کلام مسیحی از قبیل «خنا - انسانی مسیح» ایمان بیاورند. این معضل در

**[نویسندگان دایره‌المعارف کتاب مقدس برای حل مشکل خدا انسانی مسیح - به این نتیجه می‌رسند که: فقط کافی نیست تصدیق نمائیم که مسیح به عنوان پسر خدا دارای یک بدن انسانی بوده بلکه ضرورتاً باید او را برخوردار از یک طبیعت کامل انسانی که شامل جسم نفس و روح است پذیرفت.**



دایره‌المعارف کتب مقدس از سویی یک کتاب علمی و تحقیقی به‌شمار می‌آید و نویسندگان و پژوهشگران را در بهره‌گیری از کتاب مقدس یاری خواهد رساند و از سوی دیگر یک کتاب تبلیغی است و در بسیاری از موارد از زبان خطابی بهره می‌گیرد. کتاب نیازمند نقد و بحث جدی است و امید که پس از نشر، اهل فن آن را مورد توجه قرار دهند.

می‌باید و نویسندگان و پژوهشگران را در بهره‌گیری از کتاب مقدس یاری خواهد رساند، و از سوی دیگر یک کتاب تبلیغی است و در بسیاری از موارد از زبان خطابی بهره می‌گیرد. کتاب نیازمند نقد و بحث جدی است و امید که پس از نشر، اهل فن آن را مورد توجه قرار دهند.

می‌باید و نویسندگان و پژوهشگران را در بهره‌گیری از کتاب مقدس یاری خواهد رساند، و از سوی دیگر یک کتاب تبلیغی است و در بسیاری از موارد از زبان خطابی بهره می‌گیرد. کتاب نیازمند نقد و بحث جدی است و امید که پس از نشر، اهل فن آن را مورد توجه قرار دهند.

می‌باید و نویسندگان و پژوهشگران را در بهره‌گیری از کتاب مقدس یاری خواهد رساند، و از سوی دیگر یک کتاب تبلیغی است و در بسیاری از موارد از زبان خطابی بهره می‌گیرد. کتاب نیازمند نقد و بحث جدی است و امید که پس از نشر، اهل فن آن را مورد توجه قرار دهند.

مشارکتند می‌برد. او توسط پدر فرستاده شده تا ایمانداران را به مشارکت صمیمانه و پیروی عیسی رهنمون سازد (یوحنا ۱۴:۱۶-۱۸ و ۲۶ و به موضوع عیسی و روح القدس رجوع کنید). در نور این حقایق ما بایستی با او به عنوان یک شخص رفتار کرده و او را به عنوان خدای نامحدود که در قلبهای ما زندگی می‌کند و خدایی که سزاوار پرستش، محبت و اطاعت است، تلقی کرد (مرقس ۱/۱۷) [ ۴۲۵ ] . این بحثها برای یک فرد مسیحی که موروثی مسیحی شده و جرات نقد و ایراد در اصول پذیرفته شده مسیحیت را به خود نمی‌دهد شاید باور کردنی باشد اما برای فردی در برون از تعبدگرایی موروثی چندان قابل باور و دفاع نیست. سه قائم بالذات یا واجب‌الوجود و ازلی با هیچ خرد فلسفی یا عرفانی قابل اثبات یا فهم نیست. نفس تصور واجب‌الوجودی اشتراک را نمی‌کند. نویسندگان دایره‌المعارف خود بر این واقعیت باور دارند که طرح بحث الوهیت مسیح و انسانیت او از دیرباز معضل فکری بوده است و می‌نویسند: «زمانی که پسر خدا، جسم پوشید بلافاصله معضل به ظاهر لاینحل اتحاد و یکی شدن خدا با انسان مطرح گردید. برای یهودیان نیز این موضوع غیر قابل درک و حتی کفرآمیز بود، اما مسیحیان راست دین [Orthodox] این عقیده را داشته و دارند که تجسم مسیح، شخصیت الهی او را خدش‌دهنده ساخت و حتی در زمان زحمات و مصلوب شدن خویش بر روی زمین از همه صفات الهی برخوردار بود و محدودیتهایی که در اثر Kenosis (کنوسیس یک واژه یونانی به معنی از خود خالی شدن) به‌وجود آمد حتی یک صفت الهی را از مسیح نگرفت و به‌هیچ وجه او را کمتر از خدا ساخت. اشخاصی که می‌پذیرند کتاب مقدس الهامی و مصون از خطا می‌باشد، هیچ‌گاه الوهیت مسیح مجسم شده را مورد سؤال قرار نمی‌دهند (۴۲۶).»

دقیقاً همان‌گونه که نویسندگان دایره‌المعارف کتاب مقدس می‌نویسند تنها اشخاصی الوهیت مسیح مجسم شده را مورد سؤال قرار نمی‌دهند که کتاب مقدس را الهامی و مصون از خطا بدانند، اما افرادی که با توجه به تدوین متاخر اناجیل از زمان عیسی مسیح (ع) و وجود اختلافهای جدی بین آنها نمی‌توانند همه کتاب مقدس را الهامی و مصون از خطا بدانند، در تعارض بین خرد بشری با محتوای کتابی که دست‌کم کامل آن مصون از خطا نیست، نمی‌توانند از خرد انسانی دست بکشند و طبیعی است که الوهیت مسیح را به‌طور جدی مورد سؤال قرار بدهند.

نویسندگان دایره‌المعارف در مبحث توجیه خدا - انسانی مسیح به‌طور جدی با مشکل مواجه شده‌اند؛ از سویی به طبیعت انسانی او تاکید می‌ورزند و می‌نویسند: «انسانیت مسیح قبل از هر چیزی بوسیله این واقعیت آشکار می‌گردد که او از یک بدن واقعی که از گوشت و خون تشکیل می‌شد برخوردار بود (عبرانیان ۱۲:۲؛ اول یوحنا ۲:۴ و ۳) بدن او به استثناء خصوصیتی که نتیجه گناه و قصور انسانی است عیناً مثل بدن سایر مردم است. او مانند سایر انسانها از رشد و بلوغ انسانی برخوردار بود. از احساسات و محدودیت‌های انسانی برخوردار بود. تشنه، گرسنه و خسته می‌گردید، لذت‌درد، استراحت و مرگ را تجربه کرد. کتاب مقدس نه فقط بر خصوصیات جسمانی بدن انسانی مسیح مجسم شده شهادت می‌دهد بلکه به‌طور خاص از این واقعیت سخن می‌گوید که او دارای نفس و روح انسانی بود (متی ۲۸:۲۶؛ یوحنا ۱۲:۲۱) این آیات ثابت می‌کنند که مسیح از انسانیت واقعی برخوردار بوده است. بنابراین فقط کافی نیست تصدیق نمائیم که مسیح به عنوان پسر خدا دارای یک بدن انسانی بوده بلکه ضرورتاً باید او را برخوردار از یک طبیعت کامل انسانی که شامل جسم، نفس و روح است پذیرفت. [ ۴۲۶ ]

آنان حتی تاکید می‌کنند انسانیت مسیح یک موضوع موقتی نبود: «عمل تجسم موقتی نبود که با مرگ و قیام مسیح خاتمه بیابد بلکه چنان‌که کتاب مقدس روشن می‌سازد طبیعت انسانی او برای همیشه تداوم می‌یابد. [ ۴۲۶ ]» بر این اساس مجبور می‌شوند تاکید کنند که «الهیات راست دینی بر این اعتقاد است که دو طبیعت فوق [ انسانی و الهی ] بنون از دست دادن هیچ یک از صفات ذاتی خود، به هم می‌پیوندند و هر دوی آنها هویت متمایز خود را حفظ می‌کنند و به وسیله تجسم مسیح دو طبیعت فوق به طرز جدایی‌ناپذیری با یکدیگر متحد می‌گردند که هیچ‌گونه اختلاط یا فقتانی در هویت‌های متمایز آنها روی نداده و هیچ‌یک از خصوصیات یا صفات آنها به یکدیگر منتقل نمی‌شود. بنابراین، این پیوند یا اتحاد ایجاد شده یک اتحاد شخصی یا ذاتی است یعنی این که مسیح یک شخص واحد است نه دو شخص متمایز